

فرآیند عملیاتی نظام تأمین اجتماعی

دکتر بهرام پناهی

مقدمه

نظام تأمین اجتماعی در جهان با زیرمجموعه‌های پیوسته و سازمان یافته خود دارای ابعاد بسیار گسترده و فرآیند پیچیده‌ای است که تأثیرپذیری سیاستهای منبعث از آن، به ویژه با عنایت به تجارب نیم قرن اخیر در کشورهای صنعتی و پیشرفته، بر یکایک افراد جامعه از زمان قبل از تولد (دوران بارداری) تا هنگام مرگ (بازماندگان) انکارناپذیر است.

بدین لحاظ توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری به صورت مستقیم و غیرمستقیم متکی بر توسعه کمی و کیفی نظام تأمین اجتماعی است. به عبارت دیگر فراگیری نظام تأمین اجتماعی پشتوانه رشد و توسعه پایدار در درازمدت محسوب می‌شود.

لذا پرداختن به مقوله تأمین اجتماعی در شرایطی که سرلوحه برنامه‌های دولت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است، از اولویت و اهمیت بسزایی برخوردار است.

اهداف مزبور صرفاً با انجام پژوهشهای کاربردی و مباحث عمیق کارشناسی تحقق می‌یابد، تا از این طریق موضوع بحث از نظر مفهومی و عملیاتی مورد تجزیه و تحلیل کمی قرار گرفته و با دستیابی به یک تعریف مشخص و مورد پذیرش همگان و تعیین اهداف و روشهای قابل حصول، این امکان به وجود آید که نظام اجرایی متناسب با آن با منظور داشتن امکانات و پتانسیلهای بالقوه و بالفعل اقتصادی کشور، به مورد اجرا گذارده شود.

در مقاله حاضر سعی بر آن است که اهداف اصولی نظام تأمین اجتماعی و روشها و تکنیکهای متداول آن در جهان مختصراً مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

تأمین اجتماعی در واقع از دو کلمه «تأمین»^۱ و «اجتماعی»^۲ تشکیل گردیده است. کلمه تأمین به مفهوم حمایت در مقابل «خطرات تعریف شده»^۳ است و کلمه اجتماعی رابطه آن با جامعه را از ابعاد سنتی، تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی نشان می دهد. هرچند تعاریف مختلفی را حسب شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور می توان برای تأمین اجتماعی بیان نمود، اما مفهوم اصلی آن بدان معنی است که اگر در جامعه معضلاتی در کسب درآمد به عللی از قبیل بارداری، بیماری، حوادث (ازکارافتادگی)، بیکاری، سالمندی (بازنشستگی)، فوت نان آور خانواده (بازماندگان) یا سایر موارد مشابه به وجود آید، در آن صورت حمایت از افراد جامعه از نظر تأمین یا جبران کاهش یا قطع درآمد، براساس تعریف مقوله نامه شماره ۱۰۲ دفتر بین المللی کار^۴ به عهده نهاد تأمین اجتماعی گذاشته می شود.

در تعریف مقوله نامه مذکور آمده است:

تأمین اجتماعی به منزله حمایتی است که جامعه در قبال پریشانیهای اجتماعی و اقتصادی پدیده آمده، به واسطه قطع یا کاهش شدید درآمد افراد ناشی از بیماری، بارداری، حوادث و بیماریهای ناشی از کار، بیکاری، ازکارافتادگی، سالمندی و فوت و همچنین ناشی از افزایش هزینه های درمان و نگهداری خانواده (عائله مندی)، به اعضای خود ارائه می دهد.

تعریف ارائه شده فوق مبنای اصلی سیاست گذارهای دولتها در حوزه تأمین اجتماعی به صورت عام محسوب می گردد.

اهداف کلان سیاستهای تأمین اجتماعی

امروزه یکی از محوری ترین وظایف دولتهای رفاه^۵ در سطح کشورهای جهان به ویژه در جوامع صنعتی پیشرفته، تاثیرپذیری بر شرایط معیشتی اقشار مختلف جامعه در ابعاد مادی و اقتصادی از طریق عرضه خدمات تأمین اجتماعی است.

بدیهی است اهداف این تاثیرپذیری با اهداف سیاستهای اجتماعی^۶ دولتهای رفاه تطابق و همبستگی مستقیم دارد.

1. security

2. social

3. defined risks

4. International Labour Office (ILO)

5. welfare states

6. social policy

اهداف سیاستهای اجتماعی عمدتاً شامل دو محور اصلی زیر است :

- بهبود و ارتقاء وضعیت اقتصادی و پایگاه اجتماعی آن گروه از افراد که از منظر مادی یا اجتماعی از اقشار آسیب پذیر^۱ جامعه هستند.
- تأمین نیازهای مادی یا اقتصادی هر یک از شهروندان جامعه که به دلیل بروز مخاطرات و رویدادهای غیرقابل پیش بینی یا قهری قادر به پوشش حداقل معیشت^۲ مادی و حفظ پایگاه اجتماعی خود و خانواده تحت تکفل در طی یک دوره زمانی نامعین نیستند.
- تحقق اهداف فوق به صورت منسجم و قانونمند تنها در چارچوب طراحی ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی در هر کشور و از طریق وضع قوانین و مقررات مربوط امکان پذیر است.

وظایف و راهبردهای نظام تأمین اجتماعی

با منظور داشتن اهداف دوگانه فوق، وظایف و راهبردهای نظام تأمین اجتماعی به صورت دقیق تری قابل ارزیابی و تجزیه و تحلیل اند.

نخستین وظیفه سیستم تأمین اجتماعی ایجاد زمینه های لازم در راستای برقراری حمایت جمعی^۳ از کلیه افراد جامعه در برابر حوادث غیرمترقبه و مخاطراتی است که موجب کاهش یا قطع درآمد و نهایتاً تنزل امکانات معیشتی آنان نیز می گردد.

مهمترین عواملی که می توانند باعث تزلزل و دگرگونی وضعیت معیشتی هر یک از شهروندان جامعه گردند، عمدتاً این موارد هستند:

- در مواردی که فرد شاغل درآمد خود را به دلیل بیماری، حوادث ناشی و غیرناشی از کار، سالمندی یا بیکاری به طور کامل یا نیمه کامل از دست بدهد؛
 - در مواردی که یکی از والدین شاغل خانواده فوت کند و معیشت بازماندگان وی دچار مخاطره گردد؛
 - در مواردی که بروز پیامدهای غیرمترقبه نظیر بیماری، حوادث یا فوت باعث تحمیل بار مالی اضافی به بودجه خانوار گردد.
- به عبارت دیگر حوادث و پیش آمدهایی نظیر بیماری، ازکارافتادگی، بیکاری، سالمندی و فوت نان آور خانواده را می توان به عنوان مخاطرات معیشتی شناخته شده افراد جامعه منظور کرد.

این مخاطرات در اکثر کشورهای جهان عمدتاً در چارچوب استراتژی بیمه‌های اجتماعی^۱ قابل پوشش و سازماندهی هستند.

علاوه بر مخاطرات شناخته شده فوق، عوامل متعدد دیگری نیز می‌توانند بر وضعیت معیشتی افراد جامع تأثیرگذار بوده و روند زندگی آنان را در مقاطع مختلف دچار عدم تعادل کنند که این عوامل نیز عموماً در چارچوب حمایت‌های جمعی قابل طبقه‌بندی اند.

از جمله عوامل تأثیرگذار می‌توان به نکات زیر نیز اشاره کرد:

● در مواردی که فرد شاغل یا نان‌آور خانواده به علت دارا بودن اولاد تحت تکفل، از محل درآمدش قادر به تأمین معیشت کلیه افراد خانواده تحت پوشش نباشد؛

● در مواردی که هر یک از افراد جامعه با سوانح، حوادث طبیعی (نظیر سیل، زلزله و ...)، جنگ یا مخاطرات خاص مواجه گردیده و نیازمند حمایت‌های جمعی باشند.

پوشش مخاطرات فوق در اغلب کشورهای جهان از طریق برقراری کمک‌های حمایتی نظیر پرداخت حق اولاد^۲ برای شاغلین (مشابه مقررات و قوانین موجود در جمهوری اسلامی ایران) انجام پذیرفته و در بسیاری از کشورهای صنعتی و پیشرفته پرداخت حق اولاد شامل کلیه شهروندان (اعم از شاغلین، جزف و مشاغل آزاد، بیکاران، افراد خانه‌دار، خارجیان و ...) نیز می‌گردد.

به علاوه به منظور حمایت از خانواده‌هایی که دارای فرزندان تحت تکفل هستند، تمهیدات دیگری نظیر اعمال معافیت‌های مالیاتی صورت می‌پذیرد تا از این طریق بار مالی خانوار به طور نسبی کاهش یافته و پایگاه اجتماعی آن نیز حفظ گردد.

در ارتباط با سوانح، حوادث و بلایای طبیعی، جنگ یا مخاطرات خاص نیز مؤسسات و سازمانهای متعدد بخش عمومی یا خیریه (نظیر بنیاد جنگ‌زدگان، جمعیت هلال‌احمر و ...) عهده‌دار پوششهای حمایتی برای افراد واجد شرایط نیز هستند.

لازم به ذکر است که نوع، درجه یا میزان مخاطراتی که برای هر یک از افراد جامعه با توجه به پایگاه اجتماعی نیز غیرقابل تحمل^۳ تلقی شده و نیازمند پوشش حمایت‌های جمعی باشد، توسط قانون‌گذار و از طریق وضع قوانین مربوط مشخص و تعیین می‌گردد.

بدیهی است حمایت‌های اجتماعی مزبور تا آن میزان قابل بسط و گسترش به افراد جامعه است که فرد به تنهایی قادر به پوشش یا تأمین آن نباشد. لذا غالباً سعی بر آن است که در اولویت نخست از توان مادی بالقوه

1. social insurance system

2. children's allowance

3. unconscionable risks

فرد در جهت پوشش مخاطرات پدید آمده بهره‌برداری شود و صرفاً در مواردی که فرد فاقد شرایط مذکور است، حمایت‌های اجتماعی جامعه شامل حال وی گردد.

از ویژگی‌های حمایت‌های یادشده فوق می‌توان به وابستگی مستقیم برقراری حمایت‌های اجتماعی مزبور با علت یا علل ایجاد مخاطرات پدید آمده و منبعث از آن تنزل وضعیت معیشتی فرد نیز اشاره کرد. به همین دلیل این نوع حمایتها در چارچوب نظام تأمین اجتماعی، به عنوان حمایت‌های اجتماعی براساس اصل علیت^۱ نیز قلمداد می‌گردند.

در کنار موارد اشاره شده شرایط و وضعیت‌های خاص دیگری نیز متصور است که در چارچوب حمایت‌های فوق قرار نگرفته یا صرفاً به صورت ناقص قرار می‌گیرند.

فارغ از اصل علیت بروز مخاطرات و تنزل وضعیت معیشت مادی شهروندان یک جامعه، اصول دیگری نیز حکمفرما است که می‌بایستی در جهت حفظ شخصیت، کرامت و شأن انسانی هر یک از افراد جامعه مورد توجه خاص قرار گیرد. این اصل در اکثر جوامع صنعتی و پیشرفته جهان به عنوان یکی از حقوق مدنی شهروندان شناخته شده و براساس قوانین مدون اجرا می‌شود.

بر این اساس جامعه موظف است حداقل سطح معیشت فرهنگی^۲ مورد نیاز هر یک از افراد جامعه را مطابق استانداردهای تعریف شده حفظ و در صورت تنزل از خط فقر فرهنگی در جهت ارتقاء آن گام‌های لازم را بردارد.

لذا هر یک از افراد جامعه که در سطح پایین‌تری از استانداردهای فرهنگی تعریف شده قرار می‌گیرند و خودبه‌تنهایی قادر به تأمین نیازهای معنوی مزبور نبوده یا فاقد فرد یا افرادی از خانواده باشد که بتوانند در این امر به وی یاری رسانند، نهادهای حمایتی مسئول این وظیفه را به عهده گرفته و از وی حمایت خواهند کرد. لازم به ذکر است که حمایت‌های اشاره شده فوق عموماً در چارچوب استراتژی مساعدتهای اجتماعی^۳ از طریق نهادهای دولتی یا بخش عمومی انجام پذیرفته و منابع مالی آن عمدتاً از محل درآمدهای مالیاتی دولت (تخصیص بودجه) تأمین می‌گردد.

دومین وظیفه اصلی سیستم تأمین اجتماعی بهبود وضعیت معیشتی مادی آن‌دسته از افراد یا گروه‌های اجتماعی است که از جنبه‌های اقتصادی یا اجتماعی فاقد توان لازم بوده و از اقشار آسیب‌پذیر جامعه نیز به شمار می‌آیند. این حمایتها عمدتاً در چارچوب پذیرش "اصل برخورداری از امکانات برابر"^۴ برای همه افراد جامعه نیز استدلال می‌گردد.

1. causal principle

2. minimum of cultural needs

3. social assistance system

4. equal treatment

از آنجا که شرایط کمی و کیفی افراد جامعه در ارتباط با کسب درآمد و دستیابی به مالکیت یا انباشت ثروت عموماً متفاوت و به دلایل مختلف اجتماعی و اقتصادی غالباً شهروندان از امکانات مساوی و برابر در این امر برخوردار نیستند، لذا در چارچوب نظام تأمین اجتماعی دولتها موظف‌اند در جهت برقراری عدالت و ایجاد تعادل اجتماعی در زمینه مزبور با اتخاذ سیاستهای حمایتی و بازتوزیعی تمهیدات لازم را اتخاذ کنند.

ارتباط تأمین اجتماعی با حقوق مدنی افراد جامعه

برخلاف عرف و سنن قدیمی که در اکثر جوامع حمایت از افراد مستمند عمدتاً از طریق کمکهای انسان دوستانه افراد خیر یا خیریه‌ای خصوصی و مذهبی در چارچوب کمک به فقرا و مستمندان انجام می‌پذیرفت، ارائه برخورداری از حداقل معیشت مادی و معنوی (فرهنگی) برای یکایک افراد جامعه در قوانین اساسی هر کشور پیش‌بینی و به صورت یک حق مسلم قانونی شهروندان شناخته شده است.

براساس ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ میلادی به تصویب کشورهای عضو مجمع عمومی سازمان ملل متحد از جمله ایران رسیده است، تأمین اجتماعی از جمله حقوق اساسی انسانها شناخته شده و هر کس به عنوان یک عضو جامعه حق برخورداری از حمایت‌های تأمین اجتماعی را دارد و مجاز است از طریق مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه رشد و نمو آزادانه شخصیت او است با توجه به منابع هر کشور به دست آورد. لذا امروزه نظام جامع تأمین اجتماعی و جنبه‌های حمایتی آن به عنوان حق هر یک از افراد جامعه شناخته شده و کلیه جوامع، صرف‌نظر از نوع نظام سیاسی و اقتصادی، آنرا یک ضرورت اجتماعی می‌دانند.

گسترش مؤثر برنامه‌های تأمین اجتماعی این خواست عمومی را که هر فرد حق دارد از یک زندگی بهتر برخوردار گردد، منعکس می‌نماید.

در شعار اصلی انجمن بین‌المللی تأمین اجتماعی (ایسا)، نظام تأمین اجتماعی در جامعه مهم‌ترین اهرم برقراری عدالت اجتماعی به شمار می‌رود، چنانچه در شعار اصلی انجمن مزبور آمده است که «تحقق عدالت اجتماعی بدون تأمین اجتماعی میسر نخواهد بود».

به عبارت دیگر توسعه پایدار بدون استقرار نظام تأمین اجتماعی غیرممکن بوده و به همین جهت نظام تأمین اجتماعی در دنیای پیشرفته کنونی یکی از الویتهای بنیادی جوامع صنعتی و کشورهای در حال توسعه نیز محسوب می‌شود.

در همین ارتباط در اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، مرضی، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی به صورت بیمه‌ای و غیربیمه‌ای حقی است همگانی و دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد تأمین کند.

موارد فوق نشان دهنده اهمیت است که نظام تأمین اجتماعی در سطوح ملی و بین‌المللی از آن برخوردار و در جهت ارتقای وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد جامعه بدان پایبند است.

روشها و تکنیک‌های تأمین اجتماعی

روشها و تکنیک‌هایی که در طول نیم قرن اخیر براساس تجارب حاصله در زمینه تأمین اجتماعی به وجود آمده و در اغلب کشورهای پیشرفته صنعتی به صورت گسترده و عام و همچنین تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه جهان از جمله ایران به طور محدود مورد استفاده قرار می‌گیرند، در مرحله نخست منبث از نحوه و نوع وابستگی استراتژی مورد نظر در ارتباط با تأمین منابع مالی هر طرح (بیمه‌ای یا حمایتی) است. به‌طور کلی روشها و تکنیک‌های متداول و مرسوم نظام تأمین اجتماعی در جهان شامل اصول سه‌گانه زیر است:

استراتژی بیمه‌های اجتماعی^۱

در راهبرد بیمه‌های اجتماعی یک نوع ضمانت اقتصادی از جانب جامعه برای افرادی که تحت پوشش قرار می‌گیرند، فراهم می‌گردد. ویژگی این راهبرد در آن است که افراد تحت حمایت به صورت یک جامعه بیمه‌ای با اهداف خاص سازماندهی گردیده، مشارکت افراد جامعه تحت حمایت متضمن پرداخت حق بیمه بوده و افراد مزبور براساس پرداخت‌های مربوطه در صورت بروز حادثه یا تحقق شرایط موضوع بیمه (بیکاری، بیماری، ازکارافتادگی، سالمندی) طبق قوانین و مقررات خاص استحقاق دریافت حمایت‌های نقدی یا غیرنقدی از سازمان بیمه‌ای را خواهند داشت. سیستم بیمه‌های اجتماعی عمدتاً شامل افراد شاغل به کار در جامعه نیز گردیده و براساس اتکاء به علم محاسبات بیمه‌ای^۲ و قانون اعداد بزرگ عمل می‌نماید. مهم‌ترین خدمات بیمه‌های اجتماعی شامل بیمه بازنشستگی، ازکارافتادگی، درمان، بیکاری و فوت است.

1. social insurance system

2. actuary

تأمین مالی طرحهای بیمه اجتماعی اصولاً به عهده خود بیمه‌شده و کارفرما است و در اغلب موارد دولت نیز سهمی در آن دارد.

فرآیند بیمه‌های اجتماعی و اصول حاکم بر فعالیتهای آن موجب شده است که این سیستم اثرات مهمی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه داشته باشد که کمیّت و کیفیت آن بستگی به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور دارد.

این سیستم تقریباً در کلیه کشورهای جهان رایج است.

سیستم بیمه‌های اجتماعی عمدتاً براساس محورهای زیر سازماندهی و اجرا می‌گردد:

- اصل جامعیت^۱
- اصل عمومیت^۲
- اصل قابل دسترس بودن^۳
- اصل اقتصادی بودن^۴

بر خلاف محاسبات معمول در نظام بیمه‌های بازرگانی، در سیستم بیمه‌های اجتماعی مبلغ حق بیمه پرداختی و حمایت‌های دریافتی مرتبط با آن الزاماً نمی‌بایستی برای کلیه بیمه‌شدگان به طور یکسان برآورد گردد، بلکه مبالغ حق بیمه پرداخت کل جامعه بیمه‌شدگان در مجموع می‌بایستی هزینه‌های تعهدات قانونی مورد نظر را تأمین یا پوشش دهد. به عبارت دیگر میان منابع و مصارف سازمان بیمه‌ای باید تعادل برقرار گردد (اصل برابری منابع و مصارف^۵).

وضعیت ایده‌آل تعادل منابع و مصارف بیمه‌های اجتماعی زمانی به وقوع می‌پیوندد که دریافت‌کنندگان خدمات بیمه‌ای عمدتاً از اقسار آسیب‌پذیر یا مستضعف و پرداخت‌کنندگان از اقسار توانمند و مرفه‌تر جامعه تشکیل می‌شوند تا در کنار تعادل منابع و مصارف نوعی تعادل در اصل همبستگی اجتماعی^۶ نیز ایجاد گردد.

لازم به ذکر است که در کنار اصل بیمه‌های اجتماعی، طرحهای دیگری نظیر استراتژی طرح مسئولیت کارفرما^۷ یا استراتژی صندوقهای احتیاط^۸ نیز در بعضی از کشورهای جهان متداول بوده که طرحهای مذکور غالباً در کشورهای در حال توسعه نقش مهمی را در ارتباط با پوشش افراد شاغل ایفا می‌کنند.

- | | | | |
|--------------------------|-------------------------|---------------------------|------------------|
| 1. comprehensiveness | 2. universality | 3. accesibility | 4. economicality |
| 5. equivalence principle | 6. solidarity principle | 7. liability of employers | |
| 8. provident funds | | | |

استراتژیهای مساعدت اجتماعی^۱

تکنیک مساعدت اجتماعی یکی دیگر از راهبردهای نظام جامع تأمین اجتماعی محسوب می‌شود. این روش براساس اصولی طراحی شده است که در آن کلیه شهروندان جامعه، اعم از شاغل یا غیرشاغل، در زمان بروز وقایع یا مخاطرات منظور شده در قانون، بدون پرداخت قبلی استحقاق دریافت کمکهای مالی از محل درآمدهای عمومی دولت را به عنوان یک حق قانونی به دست می‌آورند.

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره گردید، هدف از اجرای این سیستم که برای اولین بار در کشورهای اسکاندیناوی به مورد اجرا درآمد، جایگزین نمودن آن به جای روشهای تحقیرآمیز «دستگیری از فقرا» بود.

مشمولین دریافت حمایت‌های مزبور غالباً از افراد بی‌سرپرست بودند یا کسانی که بنا بر شرایط اقتصادی جامعه فاقد درآمد هستند یا نان‌آور خود را از دست داده و قادر به تأمین معاش خود نیستند. استراتژی مساعدتهای اجتماعی ناظر بر مسئولیت جمعی افراد جامعه در قبال یکدیگر است (اصل همبستگی).

استراتژی خدمات اجتماعی^۲

استراتژی خدمات اجتماعی از نظر دامنه شمول مانند استراتژی مساعدت اجتماعی است، اما چگونگی ارائه خدمات آن متفاوت است.

در راهبرد مزبور افرادی که به دلایل جسمی یا روانی نیازمند حمایت‌های گوناگون هستند، مشمول این گروه از خدمات اجتماعی قرار می‌گیرند. به طور کلی نگهداری از افراد بی‌سرپرست و معلولان جسمی و ذهنی و همچنین بازپروری و ایجاد زمینه‌های شغلی و مهارتی برای نیازمندان (خدمات بهزیستی) از مهم‌ترین خدمات این استراتژی محسوب می‌شود.

برخلاف نگرش استراتژی مساعدت اجتماعی، نوع حمایت در نگرش خدمات اجتماعی جنبه مساعدت و کمک داشته و حق تلقی نمی‌گردد. در واقع اگر فرد نتواند عدم استطاعت مالی^۳ خود را به اثبات برساند یا آنکه امور معیشتی وی از حد نصاب (خط فقر) بالاتر باشد، از حمایت‌ها بی‌بهره خواهد ماند.

تأمین مالی خدمات اجتماعی در اکثر کشورهای جهان از بودجه عمومی دولت انجام می‌گردد. البته به

1. social assistance

2. social services

3. means test

لحاظ اینکه خدمات اجتماعی در سیر تاریخی خود ابعاد انسانی و اخلاقی ویژه‌ای را برای افراد جامعه دارا بوده، لذا غالباً بنیادها و مؤسسات خیریه خصوصی و مذهبی نیز در این زمینه سیستمهای دولتی و عمومی را یاری می‌رسانند.

استراتژیهای سه گانه اشاره شده فوق عموماً در عمل به صورت مجزا یا مختلط در اغلب کشورهای مختلف جهان به مورد اجرا گذارده می‌شوند.

بدیهی است استراتژی بیمه‌های اجتماعی در برابر استراتژیهای مساعدت و خدمات اجتماعی معمولاً از اولویت و گستردگی و تعمیم بیشتری برخوردار است.

اجباری یا اختیاری بودن پوششهای بیمه‌ای

یکی دیگر از عواملی که در ارتباط با بیمه‌های اجتماعی از اهمیت برخوردار است، دامنه یا گستره تعمیم پوششهای بیمه‌ای است. به عبارت دیگر پوششهای بیمه‌ای می‌توانند به صورت اجباری یا اختیاری انجام پذیرند. در جهت اعمال سیاستهای حمایتی مکاتب لیبرال، دولت‌ها می‌توانند عملاً حیطة حمایت خود از شهروندان جامعه را تنها به پرداخت کمکها یا یارانه‌هایی در جهت تسهیل دسترسی به حداقل معیشت زندگانی آنان محدود کنند و همزمان تصمیم‌گیری برای ایجاد شرایط تأمین برای خود یا خانواده تحت پوشش را به اختیار فرد واگذار نمایند.

بدیهی است اعمال سیاستهای حمایتی لیبرالیستی در عمل با دو مشکل اساسی و عمده مواجه است. یکی از دلایل غیرکاربردی بودن نظریه فوق عدم احساس مسئولیت فردی برخی از شهروندان جامعه نسبت به تأمین خود و خانواده تحت پوشش در جهات مختلف است که به علت بی‌توجهی یا سهل‌انگاری، از به کارگیری تمهیدات لازم در جهت تأمین معیشتی خود استنکاف ورزیده و در زمان بروز حوادث و اتفاقات احتمالی از خود سلب مسئولیت نموده و عواقب مرتبط با آن‌را متوجه خویشاوندان یا جامعه (دولت) می‌سازند.

در هر دو حالت، مخاطرات ناشی از بی‌توجهی افراد مزبور متوجه افراد حقیقی یا حقوقی دیگری گردیده که می‌بایستی بار مالی پدید آمده را متقبل گردند.

لذا برای جلوگیری از مخاطرات مزبور و براساس تجارب حاصله، اکثر کشورهای پیشرفته صنعتی جهان بیمه اجباری را به صورت قانونی برای شاغلین غیرمستقل کارگاههای صنعتی و خدماتی که به عنوان کارگر یا کارمند در استخدام کارفرمایان مرتبط هستند، پیش‌بینی کرده‌اند.

در مواردی که بیمه‌های اجتماعی در قوانین تأمین اجتماعی کشورها به صورت اختیاری پیش‌بینی

گردیده، هر یک از شهروندان واجد شرایط (کشاورزان روستایی، صاحبان حرف و مشاغل آزاد، افراد خانه‌ار و ...) می‌توانند به طریق غیراجباری تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار گیرند.

نقش سیستم بیمه‌های اجتماعی در اقتصاد ملی

سیستم بیمه‌های اجتماعی مشابه سایر بیمه‌های بازرگانی در جهت کاهش و یا پوشش کامل خسارات و مخاطرات افراد جامعه با توجه به وظایف و اهداف معین به طور سریع و به صورت مطمئن عمل نموده و اثرپذیری آن در حفظ سطح معیشتی نیروهای شاغل به کار یا سالمند جامعه انکارناپذیر است.

به عبارت دیگر سیستم بیمه‌های اجتماعی از انتقال اثرات نامطلوب مخاطرات یا خسارات ناشی از یک بخش اقتصادی به سایر بخشهای اقتصادی جلوگیری به عمل آورده و از این طریق اطمینان خاطر مطلوبی را در سطح اقتصاد کلان جامعه ایجاد می‌کند.

حجم و گستره اثرات مطلوب اشاره شده به دلیل وابستگی آن به عوامل زمانی و مکانی متفاوت و عموماً غیرقابل سنجش و برآورد است.

به طور کلی کلیه نیروهای مولد یا خانوارها در یک جامعه صنعتی از طریق تحت پوشش قرار گرفتن بیمه‌های اجتماعی به عنوان عرضه‌کنندگان نیروی کار از یک‌سو یا تقاضاکنندگان کالای مصرفی (مصرف‌کنندگان) از سوی دیگر تحت حمایت سیستم مزبور قرار می‌گیرند. فرایند مزبور بدون شک موجبات کاهش یا حذف اثرات ناشی از خسارات یا مخاطرات اجتماعی را فراهم آورده، زیرا سیستم مذکور هزینه‌های اصلی را در سطح جامعه میان انبوهی از افراد جامعه توزیع و از این طریق از تحمیل بار مالی ناشی از حمايتهاي بیمه‌ای به بخشی از جامعه به طور چشمگیری کاسته می‌گردد.

اثرات مثبت جانبی فرایند فوق‌الذکر تحت عناوین و اهدافی نظیر تعادل و توازن وضعیت اجتماعی و اقتصادی، برقراری و توسعه عدالت اجتماعی، تحقق اصل همبستگی اجتماعی، دستیابی به رضایت اجتماعی، ارتقای احساس عدالت اجتماعی شهروندان جامعه و نظایر آن متجلی می‌گردد که این عوامل نیز به نوبه خود بر فرایند اقتصاد کلان و نهایتاً ارتقای بهره‌وری تولید ملی هر کشور به صورت مستقیم و در سطح گسترده‌ای تأثیرگذار بوده و از جانب دیگر به علت فراگیری و تعمیم خدمات سیستم مذکور به کلیات جامعه به نوعی با ایجاد سدها یا موانع طبیعی در برابر مخاطرات انفرادی و جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی از سیستم بیمه‌های اجتماعی مقابله می‌شود.

به علاوه سیستم بیمه‌های اجتماعی دارای نقش قابل توجه دیگری در ارتباط با حفظ و ارتقای سلامت و بهداشت درمان جامعه داشته که این خود در کنار سایر تمهیدات مربوط موجبات ارتقای سطح کمی و کیفی

منابع نیروهای انسانی و نهایتاً افزایش سطح تولید ملی یک کشور را در درازمدت فراهم می‌آورد.

طبقه‌بندی و یا منظورداشتن میزان حق بیمه‌های پرداختی در سیستم بیمه‌های اجتماعی به عنوان بخشی از دستمزد نیروهای مولد و شاغل در چارچوب حسابهای ملی کشور مورد تفاهم اکثر اقتصاددانان قرار نمی‌گیرد زیرا بخش اعظمی از آن متشکل از سهم کارفرمایان است که در هزینه تمام شده کالا و خدمات منظور و بار مالی آن به مصرف‌کنندگان جامعه انتقال می‌یابد.

بدون تردید منابع و مصارف سیستم بیمه‌های اجتماعی در سطح کلان دارای اثرات بارز توزیع درآمد میان طبقات مختلف اجتماعی است. به علاوه در سیستمهایی که از طریق ایجاد ذخایر و سرمایه‌گذاری تأمین مالی می‌گردند، اندوخته‌های مزبور نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای را در رشد و توسعه اقتصاد کشور ایفا می‌کند. لازم به ذکر است که این نقش به دلیل به کارگیری سیستم پرداختهای جاری در اکثر کشورهای پیشرفته صنعتی از اهمیت کمتری برخوردار است، در حالی که میل به پس‌انداز و مصرف، از طریق پرداختهای سیستم بیمه‌های اجتماعی تحت تاثیر قرار می‌گیرند.

در مواردی که افراد جامعه تحت پوشش کامل خدمات بیمه‌ای اجتماعی قرار می‌گیرند، این امر نیز باعث کاهش میل به پس‌انداز آنان شده در حالی که پوشش ناقص و یا ناکامل بیمه‌های اجتماعی خود نیز موجبات افزایش میل به پس‌انداز از طریق انعقاد قراردادهای بیمه عمر، پس‌انداز و ... را فراهم می‌آورد.

غالباً اثربخشی استراتژیهای تأمین اجتماعی به خصوص در سیستم بیمه‌های اجتماعی که شاغلین جامعه را مورد حمایت قرار می‌دهد، از دو بعد اهمیت دارد.

از یک بعد آسودگی خیال و راحتی فکر و کاهش نگرانی افراد بیمه‌شده را که نیروهای مولد جامعه هستند فراهم آورده و نهایتاً بر افزایش بهره‌وری، تولید ملی و توسعه اقتصادی تاثیر می‌گذارد و از بعد دیگر در فرهنگ مدیریت نیروی انسانی، بیمه‌های اجتماعی عامل مؤثری در نگهداری و ایجاد انگیزش نیروی انسانی شناخته می‌شود.

بدین معنی که اگر دامنه فعالیت مدیریت نیروی انسانی را شامل تأمین، بهسازی (آموزش)، نگهداری و کاربرد نیروی انسانی بدانیم، سیستم بیمه‌های اجتماعی در قالب نگهداری نیروی انسانی که وظیفه تأمین نیازهای پرسنل است، جایگاه ویژه‌ای دارد.

روندهای بیمه‌های اجتماعی و نهایتاً تأمین اجتماعی نمی‌توانند بدون توجه به میزان توسعه اقتصادی ارزشیابی شوند. هر رویدادی که در کشور رخ می‌دهد، صرف‌نظر از اثر و مفهوم آن جز با شناخت اقتصادی حقیقی و با توجه به موقعیت خاص توسعه اقتصادی آن قابل توجیه نیست و بیمه‌های اجتماعی یکی از

عوامل مهم تعیین سیاسی ساختار اقتصادی جامعه است، هرگونه تغییر در ساختار جامعه نیاز به تغییر - بافت تأمین اجتماعی و هرگونه تغییر در سیاستهای تأمین اجتماعی موجب تغییراتی در جامعه خواهد شد. در کشورهای در حال توسعه، استراتژیهای مختلف تأمین اجتماعی در مراحل مختلف در حدود تأمین نیازهای اساسی و سپس بهبود استانداردهای زندگی تعریف شده و به دلیل مشکلات ناشی از تأمین منابع مالی لازم و سازماندهی برای ارائه خدمات و و جوه درصد بالایی از بیکاری یا اشتغال ناقص (بیکاری پنهان) در مقیاس وسیع و در سطح روستاها و سایر مشکلاتی از این قبیل، توسعه نظام جامع تأمین اجتماعی کند و تا حدود زیادی دشوار بوده است.

ساختار مزایای بیمه‌های اجتماعی

مزایای بیمه‌های اجتماعی بطورکلی با توجه به اهداف عملیاتی و سازمانی صندوق‌های بیمه‌ای به صورت گروهی در شاخه‌های زیر قرار می‌گیرند:

- خدمات درمانی
- غرامت دستمزد ایام بیماری
- کمک بارداری
- مقرری بیمه بیکاری
- کمک عائله‌مندی
- مستمری حوادث ناشی از کار
- مستمری بازنشستگی
- مستمری ازکارافتادگی
- مستمری بازمندگان
- کمک هزینه کفن و دفن

از موارد فوق برای حمایت بیمه‌شده در مقابل پیشامدهای مختلفی نظیر بیماری، حادثه، زایمان، بیکاری، سالمندی، فوت و (عائله‌مندی)، که هرکدام باعث فشار بر درآمد کارگر و در نتیجه کاهش و یا قطع درآمد وی می‌گردد، استفاده می‌شود. وقایعی مانند بیماری، بارداری و بیکاری معمولاً از بعد زمانی کوتاه مدت هستند و لذا موجب قطع درآمد به طور موقت می‌گردند. اما پیشامدهایی نظیر ازکارافتادگی، سالمندی (بازنشستگی) و فوت نان‌آور خانواده دارای اثرات بلند مدت است.

ترتیب ارائه کمکها از اهمیت زیادی برخوردار نیست. آنها اغلب با توجه به نیازهای جامعه و

توانایی مؤسسات بیمه‌های اجتماعی مربوط سازماندهی می‌گردند. همچنین در تمام طرحها قبل از ارائه مزایا استفاده کننده باید شرایط خاصی داشته باشند که این شرایط را "شرایط احراز" می‌خوانند.

نتیجه‌گیری

- نظام تأمین اجتماعی در جهان عموماً متأثر از سیاستهای اجتماعی دولتهای رفاه بوده و هدف اصلی آن شامل بهبود و ارتقای وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اقشار آسیب‌پذیر از یک سو و تأمین حداقل معیشت مادی هر یک از شهروندان در برابر مخاطرات و رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی است.
- برخورداری از تأمین اجتماعی یک حق اجتماعی است که از جمله حقوق اساسی افراد جامعه نیز محسوب می‌شود.
- سیستم بیمه‌های اجتماعی مبتنی بر اشتغال افراد جامعه بوده که از طریق پرداخت حق بیمه (سهم بیمه‌شده، کارفرما و دولت) تأمین مالی می‌گردد.
- بیمه‌های اجتماعی بر اصول جامعیت، عمومیت، قابل دسترسی و اقتصادی بودن استوار است.
- نظام تأمین اجتماعی در جهان عمدتاً شامل سه زیر سیستم اصل استراتژی بیمه‌های اجتماعی استراتژی مساعدت اجتماعی و استراتژی خدمات اجتماعی است.
- تأمین مالی استراتژیهای مساعدت و خدمات اجتماعی عمدتاً از طریق درآمدهای عمومی دولت و همچنین کمکهای مالی بنیادها و مؤسسات خیریه خصوصی و مذهبی انجام می‌پذیرد.
- بیمه‌های اجتماعی براساس "اصول همبستگی و تعاون اجتماعی" شکل گرفته و مبنای توازن مالی آن براساس "اصل برابری" پایه‌گذاری گردیده است.
- راهبردهای نظام تأمین اجتماعی دارای اثرات بازتوزیعی میان گروهها و طبقات مختلف اجتماعی است.
- سیستم بیمه‌های اجتماعی بر اساس اتکاء به علم محاسبات بیمه‌ای و قانون اعداد بزرگ عمل می‌کند.
- ساختار مزایای بیمه‌های اجتماعی عمدتاً شامل تعهدات کوتاه مدت (درمان، غرامت دستمزد، بیکاری) و بلندمدت (بازنشستگی، ازکارافتادگی و بازماندگان) است.
- در سیستم بیمه‌های اجتماعی شاغلین غیرمستقل (کارگران و کارمندان) عموماً به صورت اجباری و شاغلین مستقل (حرف و مشاغل آزاد، کشاورزان و...) به صورت اختیاری تحت پوششهای بیمه‌ای قرار می‌گیرند.
- تعمیم و گسترش تأمین اجتماعی بستگی به میزان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور دارد.

- سیستم بیمه‌های اجتماعی از جنبه اقتصادی دارای اثرات فراگیر برای نیروهای کار جامعه، مصرف‌کنندگان، کارفرمایان و اقتصاد ملی هر کشور است.

منابع

- مجموعه مقالات و گزارشات امور بین‌الملل سال ۱۳۷۳، معاونت حقوقی، مجلس و بین‌الملل سازمان تأمین اجتماعی، تهران، تیرماه ۱۳۷۴.
- "آشنایی با اصول تأمین اجتماعی"، گزارش داخلی سازمان تأمین اجتماعی، تهران، بهمن ۱۳۷۲.
- "نظام تأمین اجتماعی"، گزارش داخلی سازمان تأمین اجتماعی، تهران، ۱۳۷۵.
- بهرام پناهی، اصول و مبانی نظام تأمین اجتماعی، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، انتشارات سوره، تهران، ۱۳۷۶.
- بهرام پناهی، مبانی و فروض سیستم بیمه‌های اجتماعی، گزارش تحقیقاتی مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، تهران، ۱۳۷۷.
- Social Security, A Worker's Education Guide*, International LabourOffice (ILO), Geneva, 1992.
- Social Security Programs Throughout the World*, 1995, SSA, 22nd edition, USA, 1995
- Soziale Sicherung in : Handwörterbuch der Wirtschaftswissenschaften (HDWW)*, Stuttgart, 1983.
- Der Sozialstaat, Informationen zur politischen Bildung*, BZ f. pol. Bildung, Bonn, 1990.
- Ritter, Gerhard A., *Der Sozialstaat, Entwicklung im internationalen Vergleich*, München, 1991.

